



پژوهشگاه علوم انسانی مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

اولین ها  
آخرین ها

شروطیت و هر تمبیری که از آن داشته باشیم، تحولی همیق در زندگی سیاسی اجتماعی مردم مابه وجود آورد. مظفرالدین شاه که پس از درگیریها، تحصنها و مبارزات مردم، فرمان مشروطیت را، به تاریخ چهاردهم جمادی الثانی سال ۱۳۲۴ قمری، امضاء کرده بود چون با ناپاوری مردم رویرو گشت، مجبور شد دستخط دیگری مبنی بر تأکید فرمان صادر کند. یکی از نکات جالب در این دو فرمان، اسم مجلس است که در دستخط اولی مجلس شورای ملی و در دومی مجلس شورای اسلامی آمده؛ ولی در هر دو بر رعایت قوانین شرع مقدس تأکید شده است.

برآنیم تا در این شماره، گزارشی از اولین جلسات مجلس شورای ملی تقدیمتان کنیم و خواهیم کوشید تا از اولین و آخرین جلسات مجلس در مقاطع مختلف تاریخ آن در شماره های آینده اطلاعاتی در اختیار شما - خواننده عزیز - قرار دهیم.

اولین جلسه ای که در رابطه با مجلس شورای ملی برگزار شد، در تاریخ بیست و هفتم جمادی الثانی در ساختمان مدرسه عالی نظام بود. در این جلسه که نزدیک به دوهزار نفر از مقامات و بزرگان شرکت داشتند، مشیرالدوله صدراعظم نطقی ایراد کرد و ملك المتكلمين ازسوی ملت، طی خطابه ای، آنرا پاسخ گفت. به دنبال این اجلاس جمعی از زعمای قوم گرد هم آمدند و نظامنامه و آئین نامه های انتخابات را تنظیم و تدوین کردند که در نوزدهم رجب ۱۳۲۴، به امضای شاه رسید.



پس از انتخابات، طی يك دعوتنامه رسمي، هجدهم شعبان روز گشایش مجلس تعیین شد و پس از مراسم افتتاح رسمي که با حضور مظفرالدین شاه انجام شد، اولین جلسه مجلس به روز بعد، یعنی نوزدهم شعبان، موکول و در این روز هیأت رئیسه مجلس انتخاب شدند. در این اجلاس، صنیع الدوله به عنوان رئیس، وثوق الدوله و حاج امین‌الضرب به عنوان نواب اول و دوم رئیس و سید محمد تقی هراتی، حاج سید نصرالله، دبیرالسلطان و عون الدوله به عنوان اعضای دفتر کابینه مجلس معین شدند. رئیس، جلسه بعدی را برای روز بیست و چهارم شعبان اعلام کرد و قرار شد هیأتی از وکلا، نظامنامه داخلی مجلس را تهیه کنند. شرح جلسه بعدی را به نقل از روزنامه رسمي کشور عیناً می‌آوریم:

«عصر شنبه، بیست و چهارم شعبان، صدراعظم و حجج اسلام و وکلا در مجلس حضور یافتند. عده‌ای از وکلا نیز که برای نوشتن نظامنامه داخلی مجلس در منزل صنیع الدوله، رئیس مجلس، اشتغال داشتند، در اطاق مخصوص جمع شده و به مذاکره پرداختند. در این جلسه، آقای شیخ مهدی، پسر بزرگ حاج شیخ فضل‌الله، برای رسانیدن عرایض و شکایات ملاکین و استدعای خواستن احتشام السلطنه و سعدالدوله حاضر شد. شیخ مهدی، در حضور صدراعظم و آقا سید عبدالله و آقا سید محمد و آقا شیخ فضل‌الله و سایر علما و وزرا و وکلا، بیان مطلب نمود؛ به مجرد اظهار، آقا سید



عبدالله بنای خشونت و سخت‌گویی را با آقا شیخ مهدی گذارد. سپس، آقا سید محمد تقی هراتی، در مقابل حجج اسلام، اسامی يك يك وکلا را قرائت کرد و به اسم هريك از وکلا که می‌رسید، آن وکیل از جای خود برمی‌خاست و کرنش می‌کرد، به قسمی که پیشانی او به قالی ملاصق می‌گشت، و سپس به جای خود قرار می‌گرفت و به همین ترتیب تمام وکلا را نام می‌برد تا اسامی وکلا تمام شد.»

«پس از آن، خطابه‌ای که از طرف وکلا به وسیله آقای سید محمد تقی هراتی انشاء شده بود قرائت شد. آقای شیخ محمد تقی گرگانی نیز که یکی از وکلا حجج اسلام بود، استعفا کرد و میرزا محسن، پسر صدرالعلماء، جای او انتخاب گشت. دبیرالسلطان و نصرت‌السلطان نیز استعفا کردند و به جای آنها کسی انتخاب نشد و تمیین جانشین آنها موکول به تصویب نظامنامه داخلی گشت.»

در جلسه روز پنجشنبه، بیست و نهم شعبان، نظامنامه داخلی مجلس بررسی و «پس از تصویب نظامنامه داخلی، در همین جلسه جواب سه مطلب نمایندگان که به توسط صدراعظم از شاه سؤال شده بود، رسید.»

«مطلب اول مربوط بود به تمیین جا و محل انعقاد مجلس: در این باب، دستخط شاه به مشیرالدوله صادر گشت که عمارت بهارستان را عجلتاً به مجلس شورای ملی اختصاص دهند تا بعد برای مجلس محل مناسبی تهیه گردد.»

«مطلب دوم مربوط به قانون اساسی بود: در این باب، دستخط شاه به مشیرالدوله صادر گردیده بود که کتابچه قانون اساسی را همین دوره ملاحظه و عودت خواهد داد و در ذیل دستخط، صدراعظم نوشته بود که تا روز شنبه آن را به مجلس خواهد فرستاد و پس از آن که مجلس آنرا تصویب کرد، مجدداً برای صحنه شاه تقدیم خواهد داشت.»

«مطلب سوم راجع بود به عمل نان و گوشت: در این باب، شاه به صدر اعظم دستور داده بود که برای آسایش مردم ترتیب درستی در عمل نان و گوشت بدهد. در ذیل این دستخط، صدراعظم نوشته بود که حاکم تهران متعهد شده است در این چند روزه قراری در عمل نان و گوشت بگذارد. فعلاً، مجلس چند روزی تأمل کند تا اقدامات او به نتیجه برسد و به عرض مجلس برساند.»



«سپس، سید محمد مجتهد طباطبائی به مجلس آمده و مجدداً دستخط شاه را قرائت کرد؛ آنگاه نطقی ایراد نمود»

روحانی مبارز، در این نطق ضمن یادآوری مسئولیت‌های خطیر نمایندگان، آنان را به مقاومت در مقابل سختیها تشویق می‌کند و هشدار می‌دهد که دست‌نهایی در کار است تا مجلس و اساس مشروطه را بر هم بزنند. او در پایان، از ناامنی و ایجاد اغتشاش بعضی گروهها در تهران گلایه می‌کند که قرار می‌شود آنرا کتباً بنویسد و به مجلس ارائه کند تا از دولت توضیح بنخواهند.

«عصر روز شنبه، غره رمضان، چهار ساعت به غروب، مجلس در بهارستان منعقد شد. جمیع وكلا حضور داشتند. يك ساعت به غروب مجلس ختم شد. در این جلسه، جز چند لایحه که راجع به عمل نان قرائت گردید، مذاکره دیگری نشد. تا يك ساعت به غروب، نمایندگان منتظر بودند که قانون اساسی از طرف صدراعظم به مجلس فرستاده شود، و چون نرسید، قرار بر این شد که اگر تا روز بعد نرسد، مجلس یادداشتی برای صدراعظم ارسال دارد و قانون را جدا مطالبه کند.»

«پس از ختم جلسه، کتابچه قانون اساسی به مجلس ارسال گشت، لیکن، چون مواد آن مستبدانه بود، مورد قبول واقع نشده و عودت داده شد؛ و وكلا خود به تدوین قانون اساسی پرداختند.»

جلسات مجلس، از این تاریخ به بعد، به بررسی چگونگی مجلس سنا و حل مشکلات دولت و ملت می‌گذرد، و گاه، مباحثات داغ و جنجالی به وجود می‌آید. شاهزادگان و زعمای دولت هم در آغاز می‌خواهند با يك وام کلان دیگر، از انگلیس و روس، دست مجلس را در پوست گردو بگذارند؛ که نمایندگان، به ویژه گروه تاجر و بازرگان، وطنپرستانه، با آن مخالفت می‌کنند و این جریان به تأسیس بانک ملی منجر می‌شود.

مقایسه‌ای بین عملکرد مجلس شورای ملی در دوره اول و دوره‌های بعد به خوبی نشان می‌دهد که گرچه نمایندگان، خود منتخبین گروههای بالا و مرفه جامعه آن روز هستند، اما کارنامه‌ای درخشان - به نسبت شرایط قبلی - از خود به جای می‌گذارند، تا جایی که محمد علیشاه سوگند وفاداری به مجلس و مشروطیت را می‌شکند و علیه آن اقدام می‌کند.

در مورد آخرین جلسات مجلس شورای ملی، قبل از کودتای صغیر، در شماره آینده اطلاعاتی در اختیار شما خواهیم گذاشت. □

